

مراسم حج، «سعی صفا و مروه»

رویداد زیر از جلد های اول، سوم و هفتم فرهنگ دهخدا، رویه های ۲۰۱۴، ۴۳۵۰، ۴۳۵۱، ۱۳۵۰ برداشت شده و فرهنگ دهخدا نیز آنرا از بنمایه های زیر دریافت کرده است:
نزّهت القلوب، جلد سوم، رویه ۷، معجم البلدان، قاموس الاعلام ترکی و امتاع الاسماع، جلد اول، رویه های ۲۴۰، ۳۶۰، ۳۸۳ مفاتیح العلوم خوارزمی و ابن اسحق.

پیش گفتار:

مناسک حج و یا اعمالی که زیارت کنندگان خانه کعبه باید در مدت سه روز انجام دهند تا شایستگی به فرنام «حاجی» و «حاجیه» پیدا کنند، شامل مراحل گوناگونی است که یکی از مهمترین آنها «سعی بین صفا و مروه» میباشد. واژه «سعی» دارای معنی کوشیدن، کوشش کردن و دیدن می باشد که در انجام تکلیف «سعی بین صفا و مروه» در هنگام اجرای مناسک حج، معنی «دویدن» می دهد.

برپایه «سعی بین صفا و مروه» هر حاجی و یا حاجیه باید هفت بار بین دو کوهی که یکی صفا و دیگری مروه نامیده می شود، بدود تا حج او مورد پذیرش الله قرار بگیرد و اگر مرد است از فرنام حاجی و هرگاه زن است، از فرنام حاجیه بهره بگیرد.

برخی از چکامه سرایان مشهور ایرانی نیز درباره انجام این مراسم، یعنی هفت بار دویدن بیم صفا و مروه، چکامه هایی به شرح زیر سروده اند:

حافظ:

احرام چه بندیم چو آن قبله نه اینجاست
در سعی چه کوشیم که از مروه صفا رفت

خاقانی:

رفته و سعی صفا و مروه کرده چهار و سه
هم بر آن ترکیب کز سادات و اعیان دیده اند

شرح موضوع:

این بود، شرح پیش گفتار انجام رسم بین صفا و مروه که به «سعی بین صفا و مروه» مشهور است و از مناسک لازم برای انجام مناسک حج به شمار می رود. و اما نکته اینست که آیا مروه و صفا از کجا آمده و پیشینه مذهبی و تاریخی آن چیست؟

فرهنگ دهخدا با بهره گیری از سایر بنمایه های مشهور و معتبر تاریخی که چگونگی آنها در بالا آمد، به این پرسش به شرح زیر پاسخ داده است:

مردی به نام «اساف بن عمر» و زنی به نام «نانله دختر ذنب» در زمان جاهلیت، یعنی پیش از ظهور محمد و اسلام در محل خانه با یکدیگر عمل زنا انجام دادند و از اینرو، هر دو به سنگ تبدیل شدند، سپس اهالی قریش برای عبرت دیگران بدن تبدیل به سنگ شده اساف بن عمر را بر سر کوه صفا و بدن تبدیل به سنگ شده نانله دخت ذنب را بر سر کوه مروه قرار دادند.

کتاب نزّهت القلوب بنا به روایت فرهنگ دهخدا می نویسد، نام این زن و مرد خود صفا و مروه بوده است که چون آندو با یکدیگر در خانه کعبه مرتکب زنا شدند، به سنگ تبدیل گردیدند و کوههای صفا و مروه به نامهای آنها مشهور شده است.

معجم البلدان، نام مرد را «اساف بن عمر» و نام زن را «نانله دختر ذنب» برشمرده است. قاموس الاعلام ترکی، امتاع السمساع و مفاتیح العلوم خوارزمی، نام مرد را اساف پسر عمر و نام زن از نانله دختر سهل و هردو از قبیله جرهم ذکر کرده که چون با یکدیگر در خانه کعبه مرتکب زنا شدند، به سنگ تبدیل گردیدند و مجسمه سنگی مرد را بر سر کوه صفا و مجسمه سنگی زن را بر سر کوه مروه گذاشتند تا عبرت دیگران شود.

پیام ما آزادگان:

از بازشکافی رویداد بالا و یا به گفته دیگر، بررسی تاریخچه دویدن حاجی ها و حاجیه ها بین دو کوه صفا و مروه، چند پرسش تاریخی، اخلاقی و مذهبی ذهن هر مومن مسلمانی را به شرح زیر، به خود جذب میکند:

۱- در حالیکه سنگ حجرالاسواد (سنگ سیاه) که از آسمان به زمین افتاده تا ابراهیم آنرا در خانه کعبه کار بگذارد و سنگ یاد شده، هنوز در ساختمان خانه کعبه اکنون وجود دارد، پس این دو مجسمه سنگی «اساف بن عمر» و «نائله دختر ذئب» در کجا قرار دارد که هیچکس تاکنون آنرا ندیده است؟

۲- آیا فلسفه الهی از اینکه نماد وجود زشت گناهکار یک مرد و زن خطاکار را که در زمان جاهلیت و بت پرستی مرتکب زنا شده اند، وارد انجام مناسک حج مسلمانان که عزیزترین بندگان الله هستند، کرده چه بوده است؟

۳- آیا فلسفه الهی و مذهبی دویدن بین دو مجسمه یک مرد و زن زانی و زانیه در هنگام انجام مناسک حج چیست؟

۴- آیا خدایی که خرد والاتر از کلیه موجودات هستی است، چرا دستور نداده است، مجسمه های سنگی این مرد و زن زنا کار را به دوزخ منتقل کنند و دوزخیان بین آنها به دویدن بپردازند که این مجسمه های این دو فرد زشتکار را در خانه خود نگهداشته است؟

۵- آیا بهتر نبود که الله مقرر می فرمود، به جای ایندو موجود گناهکار، دو فرشته در دوسر کوههای صفا و مروه قرار می گرفتند و حاجی ها و حاجیه ها به جای دویدن بین این دو سنگ، بین بالهای دو فرشته نکوکار به دویدن می پرداختند؟

پیام ما آزادگان، شماره پنجاه و یکم، دره جدید (دیماه ۲۷۰۹) رویه ۶

از لغت نامه دهخدا

جلد ششم - برگ ۲۰۱۱

اساف. [!] (! خ) گویند که صفا و مروه نام مردی و زنی بوده است که در زمان جاهلیت در خانه کعبه زنا کردند حق تعالی ایشانرا سنگ گردانید اهل مکه مرد را بر سر کوه صفا و زن را بر سر کوه مروه بردند تا بینندگان را عبرت باشد و آن کوهها بدین نام مشهور شد. بعضی گویند که این نام خود آن کوهها است و نام آن مرد و زن اساف و ناهله بوده است. (نزهة القلوب ج ۳ ص ۷). گویند که اساف نام پسر عمرو است که با نائله دختر هل درخانه کعبه زنا کردند و بسنگ مسخ شدند و سپس قریش آن دو را چون بتی بپرستیدند. ابن اسحاق گوید که اساف و نائله مسخ شدند و ایشان اساف بند بناء و نائله دختر ذئب بودند و گفته اند اساف بن عمر و نائله بنت سهیل بود. (از معجم البلدان) نام بتی است که آنرا عمرو بن لحي بر صفا نهاد و نائله را بتی دیگر است بر مروه و بر نام این هر دو بت روبروی خانه کعبه ذبح کردی یا اساف پسر عمرو و نائله دختر سهل است و از قبيله جرهم بودند که در خانه کعبه زنا کردند پس به سنگ مسخ شدند و جهت عبرت اساف را بر صفا و نائله را بر مروه نهادند و بعد از مرور ایام قریش هر دو را پرستش کردند و رجوع بقاموس الاعلام ترکی و امتاع الاسماع ج ۱ ص ۲۴۰ ، ۳۶۰ ، ۳۸۳ و مفاتیح العلوم خوارزمی و رجوع به بت شود.

درفش کاویانی



<http://derafsh-kavivani.com/parsi>